

الگوی پیشنهادی معماری محله اسلامی - ایرانی بر مبنای مدل نگره‌های زندگی ساز حکمت اسلامی

حسن ذوالفقارزاده^۱، رضا جعفری ها*^۲، علی دل‌زنده^۳

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۷/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله :

۱۳۹۸/۰۵/۲۲

چکیده

انسانی که موجودی نظام‌مند، مدنی الطبع و خلاق فضای زیست است جهت رشد و توسعه در مسیر تعالی، به الگوی سکونتی نیاز دارد. معماری سکونتگاه محله‌ای امروزی و به اصطلاح مدرن تحت تأثیر مؤلفه‌های کالبدی معماری و شهرسازی و اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی غربی قرار گرفته و زمینه‌ی ضعف در تعلق، دلبستگی و پیوند فرد با محیط زندگی را به وجود آورده‌اند. الگوی تشکیل‌دهنده‌ی سکونتگاه‌های محله‌ای همواره متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم و سنن یک ملت شکل می‌گیرد. بر اساس تجربه‌ی زندگی در محلات قدیمی، همواره در وجه باطنی آن بر تقویت همبستگی و روابط اجتماعی و مفهوم شکل‌گیری مجموعه اسلامی تأکید داشته است. در این تحقیق به الگوی سازنده‌ی محله‌ی مسکونی متناسب با ابعاد اسلامی - ایرانی آن در حوزه معماری سکونتگاهی تأکید شده است. عدم وجود الگوی سازنده‌ی محله، به عدم شالوده و بنیان‌های قوی نظری در تعاریف و مفاهیم دقیق و روشن از محله بازمی‌گردد. ارائه‌ی مفهوم دقیق و تدوین مبانی نظری معین و مدون بر پایه‌ی جهان‌بینی اسلامی می‌تواند الگوی مناسبی در بخش نظری و عملی از معماری محله‌ی مسکونی ارائه نماید. این تحقیق از یک سو بنیادی و نظری است و از روش استدلال و تحلیل منطقی بر پایه‌ی منابع کلام الهی و معصومین بهره می‌گیرد و از سوی دیگر در حوزه‌ی کاربردی به ارائه‌ی مفهومی و الگوی عملی از معماری محله‌ی اسلامی می‌پردازد که متناسب با نیازهای مادی و معنوی انسان در جهت توسعه و تکامل از منظر اسلامی است. یافته‌ها حاکی از آن است که آنچه به مفهوم محله ارتقاء می‌بخشد، شناخت مبانی و هدف در شکل‌گیری محله است. و آنچه در این مفهوم زیرساخت معماری محله است الگویی زندگی‌ساز با روشی نظام‌مند و مجموعه‌نگر است که بر اساس مبانی حکمی معماری با سه جهان‌بینی دینی، فلسفی و علمی استوار شده است و توسط عوامل هماهنگ کننده جامعه در سطح سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است.

کلمات کلیدی: معماری اسلامی - ایرانی، حکمت، جهان‌بینی دینی، فلسفی و علمی، محله اسلامی.

۱. دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین. ایمیل: hzolfagharzadeh@yahoo.com

۲. استادیار معماری، مرکز آموزش عالی فنی و مهندسی بوئین زهرا، بوئین زهرا، قزوین (نویسنده مسئول). ایمیل: jafariha@bzte.ac.ir

۳. عضو مرکز خدمات تخصصی هنر و معماری جهاددانشگاهی قزوین، قزوین، ایمیل: ali.dellzende@yahoo.com

پرسش‌های پژوهش

مبانی و اجزای تشکیل دهنده‌ی محله اسلامی در حوزه معماری و زیستگاه‌ها کدام است؟ چگونه می‌توان مدل‌سازی مفهومی معماری محله‌ی اسلامی - ایرانی را تبدیل به یک الگوی عملیاتی نمود؟

مقدمه

مدرنیسم در معماری به شکل متداول خود در دهه ۱۹۵۰ از طریق تئوری‌های معماران غرب به حد اعلا رسیده بود ولی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ معماری مدرن با بحران‌های جهانی روبرو گردیده ولی دامنه آثار سوء معماری مدرن و هرج و مرج آنچنان گسترده بوده که به راحتی از بین نمی‌رود (اعتصام، ۱۳۷۰، ۶۹). از ویژگی مدرنیسم بی‌اعتنایی به سنت‌ها و حتی بریدن از آن‌ها است. ژوزه استرانگ می‌گوید: تمدن مدرن تصویری یک بعدی از توسعه مادی، مغایر با امور معنوی و اخلاقی ارائه می‌دهد. این رشد مادی در توسعه شهر «مادی‌گرا» نمایان است (ماکس وبر ۱۳۶۹: ۳۵). برخورد تمدن غرب نیز با ما در زمانی رخ داده که قدرت ارتباط سالم و متقابل در ما بسیار تضعیف شده بود. این بحران که در سده‌ی اخیر بتدریج بروز کرده بیشترین بازتاب خود را در روند فعالیت‌های معماری و شهرسازی و بطور کلی در آثار هنری و ابعاد انسانی جامعه ما اثر گذاشته است. و ضعف عمومی بینه‌ی طراحی، تقلید بی‌محتوا، آشفتگی و بی‌هویتی از شاخصه‌های بارز آن است، لذا بی‌مناسب نیست که آن را «بحران هویت» بنامیم (ندیمی، ۱۳۷۰، ۶).

نفوذ معماری و شهرسازی غرب در ایران و به تبع آن تأثیرگذاری بر الگوی محلات در نیم‌قرن

اخیر (ثقه‌الاسلامی و امین زاده، ۱۳۹۲، ۳۴) نیز منجر به رواج فرهنگ مصرفی و ترویج فرهنگ مادی شده و هندسه‌ی اجتماعی شهرها را چه در بعد اجتماعی و چه از منظر کالبدی آن هدف قرار داده است. تقلیدهای ظاهری هم تحت عنوان به اصطلاح «معماری سنتی» جز تحقیر معماری و شهرسازی با ارزش گذشته ما نیست (اعتصام ۱۳۷۰). اگر در گذشته محله، ایجاد دل‌بستگی، امکان تعلق و یا شرایط پیوند فرد با محیط زندگی و تعاملات اجتماعی را فراهم می‌کرد، در دوران اخیر، توسعه‌ی شهری با مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی خود در جهت تضعیف و یا انهدام این نوع رابطه‌ها عمل می‌کند (موسوی، ۱۳۸۷، ۱۰۱). این در حالی است که روند شکل‌گیری محله‌های قدیمی به گونه‌ای بوده که در پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی ساکنین از کارایی لازم برخوردار داشته است (عزیزی، ۱۳۸۵، ۳۶). انسان‌ها در سراسیمگی شهرها و زیستگاه‌های امروز، به دنبال عرصه‌هایی با هویت هستند تا علاوه بر تأمین آسایش و تعامل با هم‌نوعان، در بستر پویایی اجتماعی به رشد و توسعه و کمال خود نائل شوند (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳، ۵۸).

معماری محله پس از خانه مهم‌ترین عنصر در شکل‌گیری ویژگی‌های فوق است. ارائه‌ی صورت ظاهری از الگوی محله متناسب با ارزش‌ها و اعتقادات، فرهنگ و آداب و سنن می‌تواند در وجه باطنی بر تقویت همبستگی و روابط اجتماعی و در مفهوم شکل‌گیری امت^۱ اسلامی اثرگذار باشد. مقاله حاضر در ارائه الگوی معماری محله به‌عنوان واحد کوچکی از سامانه‌های تشکیل‌دهنده زیستگاه



آرمانی با صفاتی از چهار ریشه‌ی حَی (زندگی)، آمن (امنیت)، سلِم (سلامت) و طَیْب (پاکی) و در عرصه‌ی مادی و معنوی مد نظر است (نوحی، ۱۳۸۸، ۱۳۶).

۱. روند پژوهش

در این مقاله ابتدا تعاریف و مفاهیم مرتبط با محله بررسی و تفاوت شکلی و ماهوی آن با مفهوم محله در فرهنگ ایرانی و اندیشه‌ی اسلامی ارائه شده است

جدول ۱. ساختار محتوایی پژوهش^۲

ساختار پژوهش	دیدگاه و رویکرد
۱- شالوده نظری	- اصول موضوعه شامل اعتقادات، اخلاقیات و احکام، و حکمت به معنی: علم به حقایق موجودات در حد توان و عمل به آن.
۲- هدف پژوهش	- ارائه مدل مفهومی و الگویی کاربردی از محله اسلامی - ایرانی متناسب با نیازهای مادی، معنوی انسان در جهت تکامل و تعالی مادی و معنوی اهالی محله .
۳- ضرورت پژوهش	- نفوذ الگوهای شهرسازی هنجارشکن غربی و تأثیر آن بر الگوی هماهنگ محلات سنتی و مخدوش شدن سبک زندگی بوم ایرانی بر اساس ارزش‌های اسلامی .
۴- رویکرد و روش پژوهش	- در حوزه‌های مبانی نظری رویکرد (توصیفی، تحلیلی و تطبیقی) و روش پژوهش استدلال منطقی با رویکرد منابع فقهی شامل کتاب و سنت و عقل کاشف از وحی.
۵- موضوع پژوهش	- تبیین مدل فکری و عملی از مجموعه مسکونی به‌عنوان سبکی از زندگی اسلامی در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی انسان با تمرکز بر تقویت همبستگی و روابط اجتماعی در یک محله ایرانی اسلامی.
۶- فرضیه پژوهش	- متغیرهای یک مجموعه زیستگاهی که بر اساس نیازهای اصلی محله متعین شده است، در سطح کلان شامل: متغیرهای اجتماعی، فرهنگی (اعم از مذهبی و آموزشی و پژوهشی) و اقتصادی است.
۷- مدل ساختاری تدوین و نگارش مقاله	- مدل ساختار مقاله در اصل به صورت طولی و ماتریسی است. و کل بررسی این نوشتار به صورت مجموعه‌ای و مرتبط به هم که شامل مبنا و عوامل و هدف و سیر از نظر به عمل می‌باشد.
۸- دستاوردها	- دستیابی به زمینه‌ی ایده‌های کالبدی و محتوایی سازنده محله اسلامی متناسب با اهداف، ضرورت‌ها و ایده‌های تدوین شده. ارائه راهکار عملی متناسب با مبانی نظری به دست آمده در جهت سیر انسان کمال خواه در پی شکل‌گیری حیات طیبه.



پیشینه تحقیق

در زمینه‌ی الگوی معماری محله‌ی اسلامی - ایرانی با توجه به نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور مصوب سال ۱۳۹۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی، در جهت تقویت و جایگاه امت سازی متناسب با فرهنگ و سبک زندگی اسلامی - ایرانی تحقیقات اندکی صورت گرفته که خود دلیل و نیاز به انجام این پژوهش می‌باشد. در مقاله‌ای تحت عنوان «الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی موردنیاز در شهر ایرانی - اسلامی» با ارائه‌ی الگوی محله به طراحی بستر تعاملات اجتماعی در میدان محله و تقویت ابعاد فرهنگی با شاخص سازی مسجد در مرکز محله و ارتباط منطقی پیاده و سواره با مرکزیت محله و نقش مبانی دینی در شکل‌گیری محله در توسعه آتی شهرهای جدید تأکید شده است (پورجعفر، پورجعفر ۱۳۹۱، ۱۵). از جمله الگوهای ساخته‌شده‌ی محله‌های ایرانی - اسلامی نیز می‌توان به شهر جدید با هدف تبیین نقش عناصر هویت‌بخش در جهت ایجاد فضای مطلوب زیستی و تقویت حس تعلق مکانی بین ساکنان زیستگاه جدید اشاره کرد. در ایده‌ی طراحی محله، طراحی هسته‌ی مرکزی بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی، تمرکز میدان، بازار و فضاهای فرهنگی و مذهبی در مرکز آن است. در این طرح با الهام از میدان نقش‌جهان اصفهان، بازار در اطراف مجموعه و در پشت بدنه‌ی اصلی قرار داده شده است. مسجد دقیقاً در مرکز تلاقی دو محور اصلی پروژه واقع شده و به این واسطه مسجد در محورهای جانبی یعنی مسیر راسته‌ی بازار محدودیت خود را حفظ می‌کند (شهرداری، اندیشه شهریاری، ۱۳۹۴، ۲۴). ولی در پژوهش

حاضر، مفاهیم و مبانی و دسته‌بندی‌ها از یک زاویه دیگری بررسی شده که در تحقیقات غیر، دیده نشده است.

۳. مفاهیم، تعاریف و مبانی نظری

۳-۱. مفهوم محله

محله به‌عنوان عنصری از ساختار فیزیکی شهر تعاریف خاصی دارد. محله به معنای کوی، برزن، یک قسمت از چندین قسمت شهر معنی شده است (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه محله) قسمتی از شهر با چندین خیابان، کوچه و مغازه، کوی، برزن بوده است (فرهنگ عمید، ذیل واژه محله). محله از تجمع و پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیررسمی میان گروهی از مردم مجاور در یک فضای جغرافیای خاص و به خانواده‌هایی که با ورود به آن خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه روبه‌رو می‌بینند گفته می‌شود (شکویی ۱۳۵۲، ۱۳۵ و ۱۳۶۵، ۴۸). محله یک واحد جغرافیایی شهری است که ساختار آن را قابلیت ارائه‌ی خدمات شهری معین می‌نماید (رهنمایی ۱۳۶۹، ۱۵۰). از این رو محله یک واحد اجتماعی و اکولوژیک قابل برنامه‌ریزی است (Randolph 1984,5) و به مکانی با مرزهای فیزیکی و عادی (Keller 1968,89) و مکانی برای اجتماع مردمی با حس مشترک در یک محدوده که به سهولت قابل تردد باشد معرفی می‌گردد (Morris and Hess 1975,6).

۳-۲. تفاوت مفهوم محله از دیدگاه غرب و سنت

در فرهنگ واژگان فارسی به انگلیسی محله را با معادل‌هایی مانند:



District, Quarter, zone, word, precincts, neighborhood, locality, community, borough

ترجمه شده است. مفهوم این معادل‌ها با تعریف ساختار و ماهیت محله در شهرهای گذشته و مفهوم محله در فرهنگ ایرانی با آنچه در طرح‌ها و برنامه‌های شهری رایج به‌عنوان محله معرفی می‌شود تفاوت اساسی، شکلی و ماهوی دارد (نقی زاده، ۱۳۸۷، ب ۱۴۸). مفهوم محله غربی یا همان واحد همسایگی یک مجموعه‌ی برنامه‌ریزی شده و طراحی شده است درحالی که محله‌ی سنتی یک شکل اجتماعی است (پیر بابایی و سجاد زاده، ۱۳۹۰، ۱۸). در واحد همسایگی غربی، محله واحد نسبتاً بزرگی از شهر است که واجد خصوصیات یک‌دست و مشابه است (همان). در این محلات مدرسه در مرکز محله توأمان با چند مغازه، زمین‌بازی و ورزشی با فاصله‌ی دسترسی مناسب برای کل محلات، همراه با سالن اجتماعات و استخر شنا برای محلات پردرآمد و یک موزه و تئاتر برای محلات پرتراکم شهری، عناصر سازنده و ارتقاء دهنده‌ی کیفیت زندگی محلات شهری است (وزین ۱۳۷۸، ۱۴۱-۱۴۰ و اردشیری و انصاری ۱۳۸۸، ۱۱۲-۱۱۳).

محله در شهر اسلامی بخش کوچکی از شهر و آبادی است که بر اساس معیارهای مذهبی، قومی، قبیله‌ای، شغلی، فکری و غیره‌ی ساکنان و معماری اسلامی شکل گرفته است به‌گونه‌ای که روش محله‌بندی موجب معنادار شدن و هویت‌بخشی اجزاء مختلف شهر همچون محله، مسجد، مدرسه، خانه و... شده است. محله‌ها مکان تشکیل شبکه‌های اجتماعی‌اند و فضاها برای تحقق شرایط سکونت افرادی است که در آن محله زندگی می‌کنند و یا برای انجام امری یا خدماتی به آن

مراجعه می‌کنند (نقی زاده، ۱۳۸۷، الف، ۱۳۸ و ۱۵۱). بنابراین در مفهوم محله دو معیار الف: نزدیکی و مجاورت مکانی ب-ارتباط و تعاملات اجتماعی بین ساکنین مدنظر بوده است (پورمحمدی و مصیب زاده ۱۳۸۸، ۵۷). ساختار محله بر پایه‌ی تجمع و پیوستگی جامعه‌ی ساکن در آن و متأثر از عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اقلیمی شکل گرفته است؛ توانایی تأمین مایحتاج زندگی مردم و روابط محکم همسایگی بر اساس مبنایی واحد و مشترک و قومی است. محله، تعریف‌کننده‌ی الگوها و آداب مشترک زندگی، وابستگی‌های عمیق اجتماعی، حفظ حرمت‌ها و حریم‌ها و مکان تشکیل بخشی از امت واحده است.

۳-۳. تعریف محله

چندوجهی بودن مفهوم محله به‌گونه‌ای است که پیرامون مفهوم محله و ابعاد آن مباحث فراوانی وجود دارد. این گوناگونی موجب شده با وجود تعدد تعریف‌های ارائه شده مبانی نظری معین و مدون جهت توصیف آن کمتر مدنظر قرار گیرد (طرف و دیگران ۱۳۸۹، ۹۰). به‌طورکلی در مطالعه‌ی آنچه صاحب‌نظران از مفهوم محله ارائه کرده‌اند هر یک، از یک حوزه‌ی علمی و از زاویه‌ی دید خاص و نگرشی متفاوت، خود بر پایه و منظری حصری و محدود به موضوع نگریده‌اند. به‌گونه‌ای که مفهوم ثابت و ایستا و جامعه‌ی پیرامون تعریف محله و ابعاد آن وجود ندارد (عبداللهی و دیگران ۱۳۸۹، ۸۸)

اگر اندیشه‌های مختلف از تعریف محله را حاصل زاویه‌ای از نگرش‌های فکری بدانیم می‌توان در یک دسته‌بندی کلی نگرش‌ها را به‌عنوان نوع برداشت و





طرز فکر ما از تعریف محله به سه دسته‌ی جهان‌بینی دینی، فلسفی و علمی، تقسیم نمود. در جدول (۲، ۳، ۴) به رویکردها، معیارها و مؤلفه‌های حاصل از هر نوع نگرش پرداخته شده است.

شاید با اندکی تسامح بتوان نظرات پیرامون تعریف محله را در سه گروه عمده طبقه‌بندی کرد. که از گرایش مذهبی و نگرش فلسفی (هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه) تا بینش علمی (طبیعت، انسان و مصنوع) را دربر می‌گیرد و به‌عنوان بستر شکل‌گیری محله ادامه پیدا می‌کند (اسلامی ۱۳۹۲، ۶۴ و ذوالفقار زاده، ۱۳۹۳). این در حالی است که در مفاهیم معماری و شهرسازی ما، نگاه جامع‌تری به تعریف محله وجود داشته است. در این مفهوم فضای مورد قبول تنها به مکان اطلاق نمی‌گردد، بلکه حضور معماری و شهرسازی تا عمق جهان‌بینی و مکتب دینی ارتقاء پیدا می‌کند که در این صورت مکان مقدس و متعالی نیز قابل حصول خواهد بود. در توصیف و تبیین محله در شهرهای اسلامی بیش‌تر بر ابعاد اجتماعی تأکید شده است (پور جعفر و تقوایی، ۱۳۸۱، ۱۶). و توجه به انسان و خصوصیات انسانی، مودت، حریم خانواده، محرمیت، تعاون، همکاری، ارتباط اقلیمی، فرهنگی و اعتقادات در آن اثرگذار، بوده است (شیعه ۱۳۹۲، ۱۹۰). محله تجلی سبک زندگی و مکان تعلیمات اسلامی همواره به ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی که ریشه در ماهیت احکام و اخلاق اسلامی داشته است توجه کرده و همواره در جهت کارایی و پاسخ‌گویی بیش‌تر به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه گام برداشته است (علیزاده و حبیبی ۱۳۹۰، ۷۱) و تعریف جامعی از اجتماع و جامعه ارائه کرده است. در پس آن چیزی که به محله جان

می‌دهد، مکتب است که دیگر فضاها از جمله فضاهای اقتصادی و معیشتی را به تبعیت از خود وادار می‌سازد (شیعه ۱۳۹۲، ۱۰۹). مکتب در شناخت مفهوم جامعه بر تقویت همبستگی و روابط اجتماعی تأکید داشته و آن را به عنوان مفهوم امت اسلامی یا امت واحده معرفی می‌نماید (باقری ۱۳۸۷، ۵). محله کوچکترین کالبد کانون زیستی از یک جامعه شهری است که بر اساس یک سری مناسبات انسانی اعتقادی، اقلیمی و تعاملات اجتماعی و سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در یک شهر شکل می‌گیرد.

۳-۴. مبانی ساختار ساز معماری محله اسلامی - ایرانی

در معماری یک محله اسلامی و در کلان آن «در یک شهر اسلامی، هر پدیده‌ای به ترویج حرکت و زندگی اسلامی کمک می‌کند و نمودها و نمادهای مختلف در خیابان‌ها، پارک‌ها و بوستان‌های شهری و هر جای دیگر شهر، ضمن ایجاد جاذبه به زمینه گرایش شهروندان به معنویات را فراهم می‌نماید... در نظام اسلامی هیچکس نباید در زندگی روزمره خود دچار ناامنی باشد اما ویژگی شهر اسلامی این است که اهل دین و پارسایی در همه جای آن احساس امنیت می‌کنند و اهل فساد هیچ جا را برای ارتکاب فساد و تباهی امن نمی‌یابند و این مهم باید در محیط‌های مربوط به شهرداری‌ها از جمله پارک‌ها و فرهنگسراها مورد توجه کامل قرار داشته باشد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵)

آموزه‌های اسلام، سبک و شیوه‌ای است که انسان‌ها را به سمت اجتماع و جامعه فاضله رهنمون می‌سازد؛ این جهت‌گیری مفهوم به واژه‌ی امت تفسیر می‌گردد (اخوت و دیگران ۱۳۸۹، ۲۱) که

مسجد پیامبر (ص) و اطراف آن در آغاز حکومت اسلامی نمونه آن است. امت در بیان لغوی مترادف با مفاهیمی همچون اراده، تصمیم، حرکت، جهت جلو و هدف داشتن تعبیر شده است (نقره‌کار ۱۳۹۴، ۲۶۵). در حقیقت امت گروهی از انسان‌های هم هدف و هم آرمان هستند که باهم تحت هويت یک امام بسوی آرمان خود حرکت می‌کنند، مهم‌ترین ویژگی امت جهان‌بینی و ایدئولوژی مشترک عقلانی و الهی آن‌ها است که همه نسبت به آن اعلام ایمان و تعهد می‌نمایند (نقره‌کار ۳۹۴، ۲۶۵ به نقل از مطهری). پس تعهد به امت به‌وسیله‌ی اسلام تحکیم یافته است و گسترش آن نیاز به توسعه‌ی واحدهای پایدار اجتماعی یعنی تقویت بنیاد محله و خانواده دارد (اخوت ۱۳۸۹، ۲۰). «روابط بنیادی در شهر مکان زیست انسان‌ها باید به گونه‌ای باشد که به ایجاد محبت، اخلاق، انسانیت، معنویت و برادری در میان ساکنان مدد رساند و اصولاً فضاهای شهری باید به گونه‌ای پیش‌بینی شوند که هیچ‌گاه بناها، موقعیت‌ها و روابط این نقش اخلاقی معنوی - الهی را خدشه‌دار نکنند.» (دیبا، ۱۳۷۵) بنابراین «ما راه و شهر و خانه خود را چنان می‌سازیم که با وجود ما هماهنگ باشد. با بازگشت به عالم دینی، شهر و خانه هم دینی می‌شود... شهر دینی را شهرسازان و معمارانی می‌توانند بسازند که به عالم دینی تعلق داشته باشند و با فضای آنجا آشنا باشند. شهر دینی با گشایش عالم دینی ساخته می‌شود و به عبارت دیگر در هوا و فضای عالم دینی است که طرح شهر دینی در انداخته می‌شود.» (داوری، ۱۳۷۵)

بنابراین زیرساخت معماری محله اسلامی را جهان‌بینی و ایدئولوژی و ارزش‌های اسلامی بنیاد می‌سازد. جهان‌بینی یعنی نوع برداشت و طرز

تفکری که یک مکتب درباره جهان هستی عرضه می‌دارد، جهان‌بینی زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود (مطهری ۱۳۹۰، ۷) در این زیربنا فلسفه‌ی زندگی، معنی انسان، هدف زندگی، مسئولیت در رسالت فردی، مسئولیت در رسالت جامعه و نوع بشر و مکتب علمی که بر اساس آن مکتب، من زندگی فردی و اجتماعی را می‌سازم تنظیم می‌گردد (شریعتی ۱۳۸۹، ۱۱۶). جهان‌بینی به دو بخش کلی تقسیم می‌گردد: جهان‌بینی الهی و جهان‌بینی مادی (قرائتی، بی تا، ۱۳) شایان توجه است که دایره کاربرد «جهان‌بینی» وسیع‌تر از عقاید دینی است (مصباح ۱۳۹۲، ۱۳). جهان‌بینی یا جهان‌شناسی به‌طورکلی از سه منبع ممکن است الهام شود: علم، فلسفه و دین، پس جهان‌بینی سه گونه است: علمی، فلسفی، دینی (مطهری، ۱۳۹۰، ۹). محله را می‌بایست متشکل از اجزاء و عوامل مرتبطی دانست که هدف‌دار است و دارای مبنا یا علتی برای تحقق آن هدف است. محله متشکل از اجزاء کوچکتری است که کل تحت شمول خود را می‌سازد. این اجزاء به‌صورت هماهنگ در راه رسیدن به اهداف در تمامی ابعاد و ویژگی‌هایشان از یک مبنا ناشی و هدایت می‌گردند. در واقع نقش و کارایی که ما آن را هدف تشکیل محله و شهر می‌دانیم خود معلول علت تامه‌ای است که آن علت، علت ترکیب اجزا و عناصر معماری و شهرسازی هستند، علتی که می‌توان آن را فلسفه‌ی هم‌نشین اجزاء یا مبنا نامید. مبنا سه پهنه معرفتی بشر (علمی، فلسفی و دینی) را تشکیل می‌دهد (ذوالفقارزاده، ۱۳۸۴، ۱۰۳). در اعتقادات جهت‌گیری صورت می‌گیرد و در اخلاقیات، خصال انسانی تعالی پیدا می‌کند و در احکام، عملکردها رنگ ارزشی به خود پیدا می‌کند.



جدول ۲. دسته‌بندی رویکردها و معیارهای تبیین محله بر مبنای جهان‌بینی اسلامی

کل محله، یک مجموعه واحد و هماهنگ و در عین حال با وجود تفاوت‌های سلیقه‌ای متحد عمل می‌کنند.	وحدت	اعتقادات	جهان‌بینی اسلامی
نقش مسجد در تعاملات اجتماعی بر مبنای ارزش‌های اعتقادی برای اهالی محله.	رسالت		
مجموعه محله، هدفمند در جهت توسعه و تکامل و تقرب الهی برای اهالی محله عمل می‌کند.	مقصد		
در محله هر مکان کاربری، در جای مناسب خود و در کم و کیف هماهنگ، استقرار یافته است.	عدالت		
اهالی محله با هدایت و رهبری جامعه، تلاش برای یک همزیستی در مسیر تعالی برای سعادت و رستگاری.	هدایت		
ترغیب و تشویق به احیای صفات نیکو و گذشت و بخشش همراه با همدلی و همفکری و همکاری در محله.	حمیده	اخلاقیات	
ایجاد فضایی اجتماعی اخلاقی برای اظهار اعتذار و ندامت و استغفار در مواقع لغزش‌ها و کجروی‌ها.	لواحه		
زدودن اخلاق ناپسند و رجایس و نهی از کبر، غرور، حسد، دروغ و غیره جهت پالایش اهالی محله.	رذیله		
آموزش و آگاهی احکام ارزشی برای تک تک افراد محله در مکان‌های فرهنگی و مذهبی محله.	فردی	احکام	
تکریم و احیای حرمت حریم خانواده و تشویق به تشکیل خانواده برای جوانان و ایجاد فضای زندگی آنان.	خانواده‌ای		
ترویج احکام جمعی اسلامی همانند برگذاری عبادات و جماعات. کنترل نظم اجتماعی و توجه به ابعاد کمی و کیفی محله از ابعاد خوداتکایی و خودکنفایی اقتصادی.	اجتماعی		

قوانین حاصل از این تجربیات می‌تواند در حال و آینده بکار گرفته شود و هم می‌توان با نوآوری و خلاقیت‌های بیشتر، تجربیات گذشته را اصلاح و استعلا داد. جهان‌بینی تجربی بعد از جهان‌بینی اسلامی و فلسفی از مهمترین موضوعاتی است که باید مورد توجه طراحان زیستگاه‌ها قرار بگیرد. با توجه به اینکه هر بومی، تجربیات خود را دارد لذا بکارگیری تجربیات بومی آن‌ها از مهم‌ترین شاخصه‌های هویت بشمار می‌رود. مسلماً تجربیات بومی نیز در گذر زمان، نیاز به توسعه و نوآوری دارد تا آن را استعلا بخشد. و این درست، مقابل اصول مدرنیسم است که تجربیات معماری بومی را نادیده می‌گیرد.

موضوع فلسفه «موجود بما هو موجود» است. و روش آن برهانی و استدلالی از طریق شیوهی منطقی، و هدف آن شناخت و تفسیر جهان هستی است. ولی موضوع علم، شناخت موجود با تعین خاص است، و روش آن تجربی و آماری است، و هدف و مقصدش حقایق موجود متعین و عینی است (ذوالفقارزاده، ۱۳۹۱، ۴۶). جهان‌بینی فلسفی در دو عرصه هستی‌شناسانه (Antology) و شناخت‌شناسانه (Epistemology) و مصادیق آن‌ها در فضای عینی محله قابل تأمل است. جهان‌بینی علمی و به عبارتی تجربی، در سه زمینه انسانی، طبیعی و مصنوعاتی که مربوط به تجربیاتی است که در گذشته بدست آمده است و اصول و



جدول ۳. دسته‌بندی رویکردها و معیارهای تبیین محله بر مبنای جهان‌بینی فلسفی

فلسفه مادی	در محله دینی هیچ پدیده‌ای برای اهل دنیا جهت ارتکاب به فساد و تباهی، امن نیست.	هستی‌شناسانه	جهان‌بینی فلسفی
فلسفه التقاطی	محله ارزشی، پدیده‌های التقاطی، آمیختگی کفر را با ایمان و همچنین شرک را هم نمی‌پذیرد.		
فلسفه الهی	در یک محله اسلامی، هر پدیده‌ای به ترویج حرکت و زندگی اسلامی کمک می‌کند.		
معرفت روحی	تقویت روحی و ایمانی در مراکز مذهبی اعم از مساجد و حسینیه‌ها تا خانه‌ها تسری دارد.	معرفت‌شناسانه	
معرفت فکری	رشد و توسعه فکری در مراکز آموزشی و فرهنگی در پیش برد اهداف محله.		
معرفت حسی	توسعه شناخت تجربی جهت استعلا برای علاقه‌مندان اهالی محله در فضاهای کاربرد عملی.		

جدول ۴. دسته‌بندی رویکردها و معیارهای تبیین محله بر مبنای جهان‌بینی علمی

انسانی	تجربه انسانی	توجه به نیازهای گسترده محله، انسان خلیفه الله و در به ظهور رساندن این ودیعه الهی در مقیاس محله و توسعه.	جهان‌بینی علمی
طبیعی	تجربه طبیعت	توجه به وسعت و مسافت محله از بعد مقیاس جغرافیایی در سه سطح مسکونی، حمل و نقل و خدمات شهری.	
مصنوعی	تجربه صنعت	تجربیات علمی با توسعه مراکز علمی و ترغیب و تشویق اندیشمندان محله در توسعه آن.	

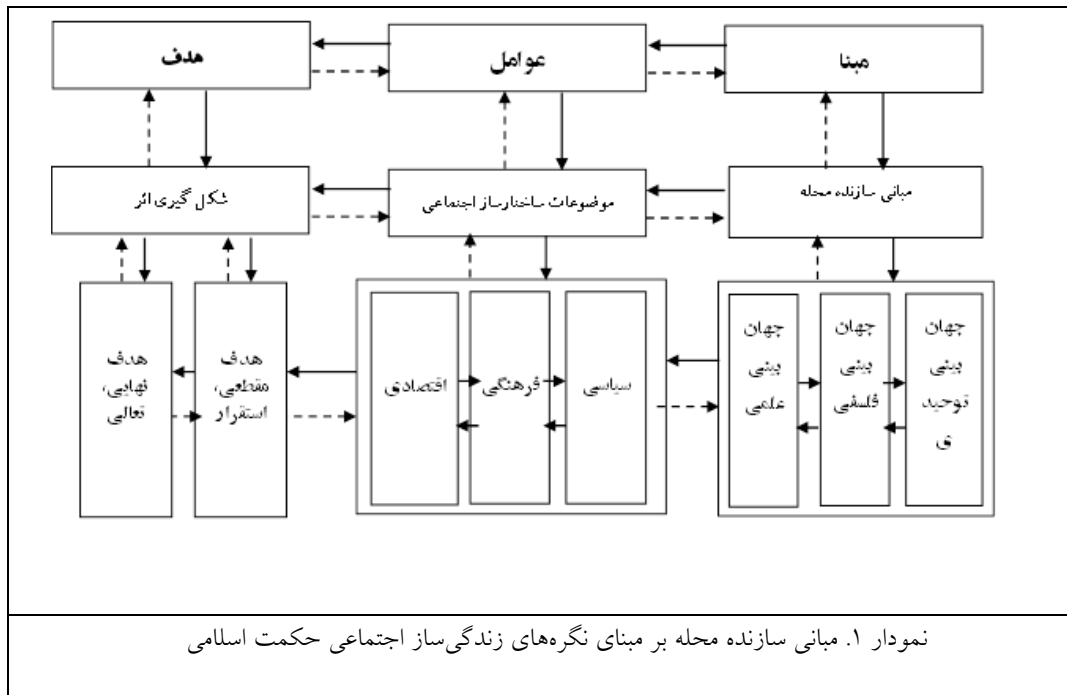
چهار صفت امن (امنیت و صلح)، حی (شکوفایی و حیات‌بخشی)، طیب (پاک و پاکیزه) و سلم (سلامتی) در عرصه‌ی مادی و معنوی و تقویت بنیان اجتماعی و تشکیل امت واحده است. عوامل، زیر مجموعه‌های کلی تشکیل‌دهنده‌ی محله است که توسط موضوعات ساختارساز مشخص می‌گردد. موضوعات ساختارساز یا اصول سازمان‌دهنده در شکل‌گیری محله در سه سطح از عوامل سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تعریف می‌گردد. مبنا هم که علت تحقق هدف است با بررسی جهان‌بینی دینی، فلسفی و علمی در خصوص محله اسلامی محقق می‌شود این سه جهان‌بینی در طول هم قرار می‌گیرند نه در عرض هم. با ارتباط دین با

با سه جهان‌بینی مذهبی، فلسفی، علمی به عنوان مبنا، این شیوه به‌عنوان ریشه‌ی روش مجموعه نگرایی یا نظام‌مند مطرح می‌شود. (نمودار ۱) آنچه زیربنای سازنده‌ی معماری محله و یا معماری شهر اسلامی اطلاق می‌گردد به‌صورت کلی شامل هدف، مبنا و عواملی است که اجزاء سازنده‌ی محله را برای هدفی خاص و بر اساس یک مبنا با یکدیگر هماهنگ می‌سازد (ذوالفقارزاده ۱۳۹۳، ۳۹). در اینجا هدف حقیقی به‌طورکلی ایجاد فضایی است که انسان در روند شناخت جاودانگی خود و سیر تکامل خویش به سمت حقیقت مطلق یاری رسانده و او را از ظلمات فهم به نور ابدی هدایت کند (همان، ۴۰) و هدف، ساختن مکانی مقدس با



بنابراین مدل‌سازی به‌وسیله‌ی پیوند زدن این سه لایه به یکدیگر در بنیان سازنده محله امکان‌پذیر است. از آنجا که این مدل بر پایه نگاه عمیق و سامانمند به هستی و الگوبرداری از آن محقق می‌شود کل این فرآیند را نگره می‌نامیم، چون بر مبنای نظام هستی آفرینش همه‌ی آن حول یک محور و یک‌جهت معنا می‌یابد (آنگاه که تمام هدف آن رسیدن به حق و وصال او و صعود انسان به سعادت، تعالی و حیات طیبه بر پایه حیات حکیمانه است). در این نگرش سیستمی به عالم، هرگاه حرکت از مبنا شروع شده و به هدف برسد، پیشرفت و توسعه پایدار در معماری محله حاصل می‌گردد.

فلسفه و علم، معرفت بشری کامل گشته و راه پیشرفت و توسعه محقق می‌گردد. مبنا توسط مبانی (موضوعات مفهومی) مشخص می‌گردد. موضوعات مفهومی همان فرایند طراحی اهداف هستند. موضوعات مفهومی از طریق ایده آل‌ها، معانی، قوانین و استانداردها (مبانی معمارانه یا زبان معماری) اهداف را شکل می‌دهد. آن‌ها اکثر مباحث پایه در طراحی مثل: قلمرو، سلسله‌مراتب، حریمیت و... طیفی از موارد را از حوزه‌ی جهان‌بینی‌ها را در برمی‌گیرند (پور دیهیمی، ۱۳۹۰، ۱۱).



۴. بحث و بررسی یافته‌ها

۴-۱. تبیین اصول جهان‌بینی توحیدی (اسلامی)

در معماری محله:

جهان‌بینی توحیدی یک مجموعه‌ی هماهنگ و متناسب است که شامل سه بخش (اعتقادات، اخلاقیات و احکام تکلیفی) می‌باشد. اعتقادات زیربنای فکری و حیات جامعه انسانی است که نگرش‌ها، احساسات و رفتارهای ما را نسبت به پدیده‌ها، هست‌ها و نیست‌ها مشخص می‌کند. در اندیشه‌ی توحیدی دین اسلام (مذهب تشیع) پنج اصل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد مبنای اعتقادی مسلمانان در امور فکری و عملی بوده است و هر پدیده‌ای در هستی در قالب این پنج اصل نگریسته می‌شود. این اصول همواره نه تنها در حوزه‌ی نظری بلکه در حوزه‌ی عملی و زندگی از جمله معماری و شهرسازی جریان داشته است. در زیستگاه اسلامی، توحید مصداق واحد حقیقی خداوند است که در مفهوم وحدت متجلی می‌گردد. وجود ریتم یا آهنگ، تکرار منظم عوامل مشابه، وجود نظم و هندسه مرکزگرا در معماری و شهر اسلامی، نشان و یادآور مفهوم وحدت است. عدل صفت الهی است که جهان هستی بر اساس آن ابداع شده است. عدل با تعادل، اندازه، حد، توازن، مساوات، تکلیف‌مداری، رحمت خواهی و کمال طلبی به‌طورکلی در مفهوم عدالت فردی و اجتماعی و صورت‌ظاهری معماری زیستگاه اسلامی مصداق می‌یابد. معاد نشان از هدفداری این عالم و اعتقاد به عالمی فراتر از جهان ماده و بازگشت همه به سوی پروردگار هستی است. این همان اصلی است که هدف از ساخت محله را در سیر تکامل انسان به حقیقت مطلق تبیین می‌نماید و

هدف تشکیل محله را جهت زمینه‌سازی و ساخت مکان متعالی را موجب می‌گردد چرا که معاد با اشاره به آخرت و بازگشت انسان به خدا سیر تکامل انسان را تکمیل می‌نماید و قطعاً بهره‌مندی از شاخص‌های معاد در شکل‌گیری محله می‌تواند سیر تکاملی شکل‌گیری محله را نیز تکمیل نماید.

اخلاقیات، شایسته‌ها و ناشایسته‌ها است و ابعاد روحی و روانی فرد و اجتماع را مورد توجه قرار می‌دهد و احکام تکلیفی، بایدها و نبایدها، دستورات و مقررات فقهی توسط شارع دین (قول، فعل، تقریر پیغمبر یا امام) است که در حوزه‌ی برنامه‌ریزی معماری و طراحی مقیاس محله جزئی‌تر و کاربردی‌تر اصول اجرائی و عملی را تدوین می‌نماید. در (جدول ۵) مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول و قوانین اثرگذار در شکل محله‌ی اسلامی از احکام اخلاقی و تکلیفی مورد شناسایی قرار گرفته است.

در احکام تکلیفی به اصولی برخورد می‌کنیم که رعایت آن‌ها، بسیاری از مشکلات موجود در مجتمع‌های فعلی را حل می‌کند و محیط محله را برای پیشرفت و استعلا مهیا می‌نماید. مطالب ذکر شده جزئی از مطالب گسترده رهنمودهای احادیث فقهی است و تکمیل و گسترش آن نیاز به عرصه دیگری دارد. برای اصول ساخت محله در زمینه ارتباط واحدهای همسایگی رهنمودهای ذیل (جدول ۶) قابل توجه و تأمل است.



جدول ۵. احکام تکلیفی منبعث از جهان‌بینی توحیدی در معماری محله

مؤلفه	شاخص‌ها
محله مطلوب	پیامبر اعظم (ع): شهرهایتان را به لحاظ مکان و نمای زیبا به گونه‌ای بسازید که چشم‌نواز بوده و چشم‌انداز داشته باشد (الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۳).
	امام صادق (ع): سکونت در سرزمینی دلپذیر است که هوای سالم، آبی فراوان و زمینی حاصلخیز و آماده کشت داشته باشد (تحف العقول، ص ۳۲۰).
	امام صادق (ع): زندگی در سرزمینی بدون سه عامل حیاتی گوارا نیست. هوای پاک و تمیز، آب فراوان و گوارا، زمین حاصلخیز و کشت‌پذیر. در سخنی دیگر می‌فرمایند: همه مردم به سه چیز نیاز دارند: امنیت، عدالت، و حاصلخیزی (تحف العقول، ص ۳۲۰).
	امام علی (ع): داشتن فضایی پر از گل و گیاه و درختان بلند و پر از میوه بارزترین ویژگی مؤمن واقعی است (طراحی و ساخت محله با ایجاد فضای سبز و زیبا در محوطه مسکونی از مطلوبیت‌های انسان مؤمن است) (الکافی، ج ۲، ص ۲۳۹).
	امام صادق (ع): سقف بناها را به اندازه متعادل (هفت ذراع) بسازید. زیرا فراتر از آن، جایگاه شیاطین است. (هفت ذراع حدود ۳/۷۶ متر به اندازه ارتفاع یک طبقه یا ارتفاع کل بنا در محله مسکونی است. ارتفاع بیش از این مقدار مورد نهي قرار گرفته است) (الکافی، ج ۶، ص ۵۲۹).

جدول ۶. احکام تکلیفی اصول ساخت محله در ارتباط با واحدهای همسایگی

مؤلفه	شاخص‌ها
اصول ساخت محله در ارتباط با واحدهای همسایگی	امام علی (ع): حریم مسجد تا چهل ذراع و همسایه تا چهل خانه از چهار طرف است (کتاب الخصال، ص ۵۴۴).
	رسول خدا (ص): چهل خانه از هر طرف پیش و پشت و راست و چپ (بالا و پایین) همسایه است (الکافی، ج ۲، ص ۶۶۹).
	امام علی (ع): خانه خود را نسبت به خانه همسایه چنان بلند نساز که اگر بلند ساخته باشی، جلوی وزش باد به خانه او را خواهی گرفت (غررالحکم، ص ۳۸۲).
	امام علی (ع): ارزش و شرافت خانه، به حیاط وسیع و هم‌نشینان صالح است و برکت خانه به بودن آن در منطقه و محوطه وسیع و همسایگان خوب و است. (یاد آوری فرهنگ محله اینجا حائز اهمیت است) (مکارم الاخلاق، ص ۱۲۵-۱۲۶).
	احاطه بر حریم خصوصی همسایگان از طریق بالکنی که مشرف بر آن‌ها ساخته شده است، حرام و خلاف شریعت اسلام است. روایتی از امام صادق (ع): از عملکرد معماری که باعث اشرافیت بر همسایه شود نفی شده است (بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۷۹، ص ۹۴).
	امام علی (ع): ایجاد بازشو، نورگیر و بالکن به سمت کوچه و خیابان را منع نموده‌اند (هر نوع بازشو و نورگیر علاوه بر اشرافیت، حکم تجاوز به حریم و حقوق عمومی را دارد و نامطلوب است) (بحارالانوار للجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۴۱، ص ۲۳۷).
	امام علی (ع) در زمان حکومت خود به کندن و مسدود نمودن ناودان‌های جاری به سمت معابر عمومی اهتمام ورزید و به انجام رسانده است (بحارالانوار للجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۴۱، ص ۲۳۷).
	پیامبر اکرم (ص): خانه‌ی خود و اصحابش را به گونه‌ای طراحی کرده و دستور ساختن آن را دادند که راه منتهی به مسجد از هر خانه به‌طور مجزا بوده و مزاحمتی برای سایر منازل ایجاد نکند (بحارالانوار للجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۷۹، ص ۹۴).



احکام تکلیفی در زمینه ویژگی‌هایی از جمله: ساخت و مصالح مناسب در شکل‌گیری محله و رعایت حریم‌های همسایه‌ها و استفاده از رنگ‌هایی که خالق هستی در آفرینش جهان طبیعت بکار برده که هماهنگ با خلقت فطرت و طبیعت انسان است و ایجاد تناسبات انسانی و پرهیز از ارتفاعات نامطلوب در محل‌های مسکونی و توجه به ایجاد آرامش برای ساکنان محله با ایجاد استحکام و رنگ در و شکل و مصالح موزون (جدول ۷) ارائه یک

محل خاطره‌انگیز و متعالی، مطرح است. احکام اخلاقی هماهنگ با نظام تکوین در جهت ایجاد هویت و وحدت بخشی به مجموعه زیستگاهی است. (جدول ۸) این هماهنگی هم در استحکام مجموعه و هم در استحکام آثار عینی محله که منبعث از جهان‌بینی توحیدی نقش مبنایی ایفا می‌کند.

جدول ۷. احکام تکلیفی منبعث از جهان‌بینی توحیدی در معماری محله

مؤلفه	شاخص‌ها
ویژگی‌های ساخت و مصالح مناسب اجرای محله	رسول خدا (ص): به راستی خدای متعال دوست دارد هر یک از شما که کاری می‌کند آن را محکم و استوار کند (اهمیت به ایستایی و اجرای محکم و باکیفیت ابنیه) (الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۲۸۴).
	رسول خدا (ص): از بیرون آوردن دیوار (جلو نشینی ساختمان) در راه‌های مناسب نهی کرد. (رعایت حقوق و حریم همسایه و عدم مزاحمت در معابر عمومی محله) (عائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۸۷).
	امام صادق (ع): به استفاده از رنگ کبود آسمانی، سبز، زرد و سفید و مصالحی که این رنگ‌ها را به‌طور طبیعی دارند برای استفاده در بناها و ساخت و سازها تأکید کرده‌اند مثل مرمر سفید و سنگ سرخ (کافی، ج ۳، ص ۱۱۱).
	امام باقر (ع): حضرت سلیمان در ساخت بناها از مصالح شیشه‌ای به‌طور گسترده استفاده می‌کرده است (و استفاده از شیشه و فناوری‌های نوین حائز اهمیت است) (مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۸۴).
	امام صادق (ع): می‌فرماید به کوه‌ها بنگر که انسان‌ها برای استحکام خانه‌ی خود از آن استفاده می‌کنند. (رعایت استحکام در ساخت و ساز منازل با مصالح محکم و مقاوم) (بحارالانوار الجامعه الدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۵۷، ص ۱۴۸).
	برای رفع آثار نامطلوب ارتفاع بلند و بیش‌تر از هشت ذراع (۳/۷۶) به دلایل فنی و اقتضائات خاص باید آیه الکرسی و سایر آیات قرآنی در قسمت مرتفع به صورت کتیبه نوشته شود (هدایه الامامه الی احکام الائمه، ج ۲، ص ۲۱۴).

جدول ۸. احکام اخلاقی هماهنگی با نظام تشریح منبعث از جهان‌بینی توحیدی در معماری محله

مؤلفه‌ها	نمودها	شاخص	منابع
هماهنگی با نظام تکوین	جهت‌گیری	- بهره‌گیری از آیات الهی و ویژگی‌های طبیعی و فضای سبز، استفاده از نمادها و نشانه‌ها. - القای جهت واحد و ایجاد وحدت (جهت‌گیری به سوی قبله و ارتفاع دادن به نمادهای مذهبی).	جمعه ۱۰، شعرا ۲۲۷، توبه ۲۴، القصص ۵۸
	عبادت، عبودیت	- اعلام و ظهور بندگی و زمینه‌سازی برای امکان ظهور و تبیت از تقوی و تعاون در عمل. - توجه به عناصر شاخص عبادی و نیایش - سلسله‌مراتب فضایی و تعریف الگوهای فضایی.	بقره ۲۱ و ۲۲، حج ۲۶، مجادله ۱۱
	هدایت	- استفاده از علائم و نشانه‌ها هدایتگری مثل مسجد - استفاده از سمبل‌ها و نشانه‌ها و ترویج آن‌ها از برای یادآوری و عبرت رسانی - حضور فضاها و عملکردهای معنوی در مرکزیت محله.	یونس ۹، التغابن ۱۱، غافر ۸۱، بقره ۱۵۹



احکام اخلاقی هماهنگ با نظام تشریح که در تعالی روح انسان‌ها نقش مبنایی ایفا می‌کند (جدول ۹). این ارزش‌های اخلاقی منبعث از جهان‌بینی توحیدی در طراحی و شکل‌گیری محله موجب استعلا و سیر و سلوک اهالی محله در جهت سعادت و تکامل و حقیقت مطلق نقش بسزایی دارد.

جدول ۹. احکام اخلاقی هماهنگی با روح متعالی منبعث از جهان‌بینی توحیدی در معماری محله

مؤلفه‌ها	نمودها	شاخص	منابع
هماهنگی با نظام تشریح	تواضع	- عدم تفاخر ظاهری، احتراز از کبر - سادگی و رعایت مقیاس انسانی و شفافیت - طراحی بنا و نمای متناسب با نیاز کاربران - برتری جلوه‌های داخلی نسبت به جلوه‌های بیرونی - هماهنگی با طبیعت و یافت پیرامونی از نظر رنگ و مصالح.	اسراء ۳۷، فرقان ۶۳
	اخلاص	- سادگی و بی‌پیرایگی در ساخت بنا و اجزای کامل همه‌چیز - استفاده از عناصر و نشانه‌های پاک (به‌کارگیری نور، آب، طبیعت) - توجه به خوانایی، وضوح سهولت ادراک و دسترسی، سادگی فرم و اشکال.	غافر ۶۵، الاعراف ۲۹ نوح البلاغه، خطبه ۱۰۹
	استحکام	- رعایت طرح، تناسب و ایستایی بنا متناسب با توان‌های موجود - استفاده از مواد، مصالح و سیستم سازه‌ای محکم و مقاوم - توجه به نظام موجود و نظم طبیعت به‌عنوان منبع الهی در عالم و الهام از آن.	عنکبوت ۴۰، بقره ۱۲۶

دارد که در پی بیان وجود در موجود است. این نظم در بیان مفاهیم از آشکار به پنهان، از ظاهر به باطن و نفی زمان و مکان اصول و قواعدی را به کار می‌گیرد که گذر از شکل به محتوا است (حبیبی ۱۳۷۷، ۵۱). در این زبان و قاعده‌ی دستوری دو گروه عمده تأثیرگذار هستند. گروه اول اصول عام که حاصل تعامل محیط مصنوع با نظم‌های طبیعی (خاک، آب، گیاه، هوا) و نظم مقدس (عامل معنا بخش) است که فارغ از زمان و مکان، ازلی و ابدی هستند. دوم اصول خاص یا اصولی است که پایه‌ی زبان طراحی محله در معنای مادی آن هستند (حبیبی ۱۳۷۷، ۵۲ و اهری ۱۳۹۳، ۵۳). اصول متعدد و متنوعی را می‌توان از منابع فقهی استنباط نمود (جدول ۱۰). لازمه استنباط، احیای نظریه پردازی است که اندیشمندان و صاحب نظران با غور در آیات و احادیث و با کند و کاو معانی آن‌ها، می‌توانند در این زمینه فتح الباب‌های جدیدی را به ارمغان بیاورند. و اصول بنیادین را طرح نمایند که مصادیق فراوانی را می‌تواند داشته باشد (اعوانی ۱۳۷۴: ۴۷).

۲-۴. تبیین اصول جهان‌بینی فلسفی در طراحی محله

فلسفه کمال بخشیدن به نفس آدمی از طریق معرفت، برهان و شیوه‌ی منطقی است که هم به بعد بیرونی وحی با شریعت و هم به حقیقت درونی یا خود حقیقت در کانون تمام مسائل اسلامی است ارتباط دارد (ذوالفقارزاده ۱۳۸۵). معماری محله و شهر اسلامی خود بیان‌کننده‌ی اصول، مبادی و پیام معنوی وحی الهی است؛ وحی الهی حقایق باطنی مشترک همه‌ی عناصر تشکیل‌دهنده با یک فرهنگ است و عامل وحدت، انسجام و هماهنگی اجزای آن به شمار می‌رود (اعوانی ۱۳۷۴، ۴۷). می‌توان در جهان‌بینی فلسفی محله را به‌صورت یک کل که دارای اجزاء است، نگرست. آنچه به محله سیمای بصری مطلوب می‌بخشد از لحاظ فلسفی پیوند و ترکیب و اتحاد اجزاء و عناصر مختلف در یک کل هماهنگ به‌صورت مجموعه‌ای متحد است (توسلی ۱۳۹۳، ۹۸). در این ترکیب و هماهنگی نظامی وجود



جدول ۱۰. اصول و معیارهای منبعث از جهان‌بینی توحیدی در معماری محله

منابع	مصادیق	نمادها	اصول
بقره ۱۸۹	- رعایت تقوی در مراعات حریم فضاهای داخلی و خارجی - طراحی شرایط و فضاهایی که عدم ارتکاب به گناه را تقویت می‌نماید.	حریم	اصل حرمت
نور ۲۷، اعراف ۲۰	- رعایت احترام فردی و اجتماعی - درون‌گرایی - ایجاد محرمیت در فضای داخلی و خارجی و عدم اشرافیت در واحدهای همسایگی.	احترام و حجاب	
بقره ۱۲۶	- افزایش امنیت و آسایش محله متناسب با روابط اجتماعی و طبیعی و بهره‌مندی از امکانات.	امنیت	
نحل ۹۰، اسراء ۲۳، نساء ۳۶	پیشگیری از قطب‌بندی و رواج نظام طبقاتی - توجه و احسان به اهالی ضعیف محله - توجه به سالخورده‌گان، یتیمان و کارافتادگان.	احسان	اصل نیکی
بقره ۱۵۲، هود ۶۱	توجه به اصول و اعتقادات دینی، ساخت بنا در خدمت اصلاح زمین و کرامات انسانی و اجتناب از فساد و ایجاد فضاهای هماهنگی با طبیعت.	ابداع	اصل اصلاح
غافر ۴۳، الانعام ۱۴۱، النساء ۶	- رعایت عدل و قرارگیری هر چیز در جای خود - استفاده حداکثری از فضاها و نعمت‌ها و پرهیز از اسراف - اجتناب از تکلف و اشراف زدگی و تجمل‌گرایی.	اجتناب از تجمل‌گرایی	اصل عدالت
روم ۲۸، زخرف ۳۲، فرقان ۵۴	- ارتباط قوی با همسایگان و طراحی فضاهای اجتماع محور و گفت‌وگو محور - ایجاد فضاهای مکث جهت ترابط با حفظ حریم در محیط.	صله ارحام و ارتباطات	اصل تعاون
المائدہ ۲۵	- برتری دادن به حریم جمعی و همکاری و تعاون بر نیکی و تقوی مسئولیت افراد در قبال یکدیگر و همسایگان محله.	همکاری	
النساء ۳۶، اعراف ۹۹، شبه ۱۳۹۱، ۱۹۰	محله محوری و اهمیت واحد همسایگی، وجود سلسله‌مراتب بین فضاها، رعایت حریم و اشرافیت، رعایت مقیاس انسانی و تناسبات.	تناسبات اجتماعی	
غافر ۱۴، اعراف ۴۶، روم ۹	- توجه به استقلال، هویت و بوم آوری در شکل بناها، عزت‌مداری و عدم تشابه به بیگانگان، عرصه‌ها و الگوهای فضایی با فرهنگ خودی.	خودکفایی	اصل ارتقاء





این مقاله به استنتاج این اصول پرداخته می‌شود. همانند اصولی چون: وحدت، کثرت، ربط، هماهنگی، سلسله مراتب و غیره که نمونه‌ای از این اصول و معیارها می‌تواند باشد.

- اصول الگوساز همانند محور اصلی محله به منظور تعریف سازمان فضایی و نظم زیربنایی معماری محله است. ایجاد سلسله‌مراتب، ترکیب نقاط مکث و حرکت و ارتباط آن‌ها و ایجاد فضاهای باز، بسته و نیمه‌باز، تقویت حرکات تعاملی جهت تقویت محور اصلی، ارتباط محور اصلی با ویژگی‌های طبیعی و انسان‌ساخت محله و عناصر نرم و سخت در کنار یکدیگر، اختصاص و تقویت گذر پیاده و طراحی مکان‌های اجتماعی، توجه به پایین بودن سرعت حرکت وسایل نقلیه در محور اصلی محله جهت اطمینان خاطر اهالی محله برای بالا بردن آرامش و آسایش اهالی و طراحی مقیاس مناسب و انسانی در راستای یک محله با هویت ایرانی و اسلامی و الگو سازی (جدول ۱۲) برای طراحی محلات از اهم مقوله‌های الگوسازی محله است.

اصول مادی، آهنگی را از طریق ترکیب فضاهای متنوع محله به وجود می‌آورد که در تعامل با حرکات انسانی در فضا (مجموعه رفتارها، هنجارها و فعالیت‌ها)، ساکنان و عابران محله را جزئی از آن فضا می‌سازد (حبیبی ۱۳۸۲، ۳۳). در حقیقت آنچه به محله‌ی اسلامی بر پایه‌ی ارزش‌های اجتماعی شکل می‌دهد یک نیروی سازمان دهنده‌ی مادی است که ریشه در مفاهیم معنوی و باطنی دارد و دیگری نیروهای پیونددهنده‌ای است که هم‌زمانی و درزمانی حرکات انسان را با عناصر تشکیل دهنده‌ی محله درهم می‌آمیزد. این دو نیروی سامان‌بخش در تعامل با یکدیگر ارتباطی ساختاری و مجموعه‌ای یکپارچه از فضای گفتگو میان فضاها با ساکنین یا عابران را فراهم می‌سازد که همان ساختار شبکه‌ای استخوان‌بندی محله است. این تعامل فضایی در محله می‌تواند علاوه بر تقویت بنیان‌های اجتماعی و تجربیات جمعی، حرکات و تصورات ذهنی متفاوت از ساختار محله، در کلیت ظاهری محله، ساختار واحدی ایجاد نماید؛ به‌طوری‌که طراحی اجزاء محله، کل آن را در برگیرد. در جدول ۱۱ به اصول مادی سازنده‌ی توده‌ی فضایی و اجزاء محله (حبیبی ۱۳۷۷ و اهری ۱۳۹۲ و بحرینی ۱۳۹۱ و توسلی ۱۳۷۶) و ارتباط آن با مؤلفه‌های ساختارساز شبکه‌ی استخوان‌بندی محله (حبیبی ۱۳۸۲ و توسلی ۱۳۷۶) پرداخته شده است اصول الگوسازی از نگرش جهان‌بینی فلسفی ناظر به کلیات نظری است که این اصول می‌تواند در همه‌ی محله‌ها در هر بومی کاربرد و مصداق فرهنگ آن محل را داشته باشد. این اصول به نوعی برگرفته از جهان‌بینی دینی است که بحث جداگانه و مفصل خود را می‌طلبد که در ظرفیت این نوشتار نیست. لذا در

جدول ۱۱. اصول منبعث از جهان‌بینی فلسفی در معماری محله

اصول	معانی	مفاهیم
سلسله‌مراتب	فضاهای محله دارای سلسله‌مراتب	- مجموعه محله از بیرون تا مرکز محله دارای سلسله‌مراتب می‌باشند. سلسله‌مراتب فضاها از حرکت (دسترسی‌ها) تا سکون (کاربری‌ها) دارای حریم‌های خاص خود می‌باشند.
وحدت کثرت	محله به عنوان یک مجموعه دارای وحدت و اجزاء آن دارای کثرت	- مجموعه فضای محله در یک ترکیب واحد- و هویتی یگانه بدور از چگونگی ترکیب اجزاء و عناصر با یکدیگر- هویت واحد فضای محله دارای کثرت فضاها، تنوع و گوناگونی اجزاء می‌باشد.
قلمرو- حریم	بازداشتن- حوزة و محدوده‌ای مشخص تحت حمایت و دفاع	- تعریف برون و درون عناصر سازنده محله و تعیین مرز مشخص ارتباط اجزاء تشکیل‌دهنده با یکدیگر- تعریف خودی و بیگانه از یکدیگر- تعریف حرمت و محصوریت در فضای محله.
مرکزیت و تمرکز	تمرکز و فراهم کردن و تجمع امور در یک مجموعه	- وجود تمرکز در هر جزء فضایی عامل متمرکز شدن کل فضای محله- تبعیت کل اجزاء از یک مرکز و نمایش تمرکز و مرکزیت در نهاد سازنده محله.
تجمع و عدم تمرکز	تراکم، تجمع در مرکزیت، مرکزگرایی و متمرکز بودن.	- جمع عناصر مختلف در یک مکان خاص و تقویت یک مفهوم ویژه و بیانی واحد به مکان در عین پراکندگی فضاهای مختلف در مکان‌های متفاوت.
دوگانگی (تفاوت و تمایز)	ناسازگاری، ضدیت و مخالف یکدیگر بودن- ناهمپایی و بی‌همتنایی کردن	- ناهمگونی عناصر و اجزاء فضای محله و درعین‌حال آهنگین بودن آن در ارتباط با دیگر عناصر و فضاها و عامل نجات فضا از یکسانی و تکرار، و ایجاد تنوع و نوآوری.
پسچیدگی و انعطاف‌پذیری	گشتگی، گردش، تاب خوردگی	- استفاده از فضاهای سازنده در مکان غیرمعمول بر هم زدن قاعده و اصول بالقوه قاعده و اصول مشخص در مکان غیرمعمول و معقول. ایجاد اشکال به‌منظور ایجاد تداعی‌ها و خاطره‌ها.
سادگی شفافیت	ساده بودن، عاری از نقش و نگاره، خلص و زلال، بدون زینت و زیور	- شفافیت فضایی محله و درک آسان فضایی بی‌پیرایگی، روشن و شفاف بودن محیط و سبکی و صفای فضا با کاهش جرم و توده و اصالت دادن به فضای تهی و جایگاه حضور و عبور انسانی.
تداوم و پیوستگی	استمرار، تمدید، بقا و ارتباط، اتصال، تعلق و رابطه همیشگی میان اجزاء	- فضای محله و حضور و عبور انسان در آن هویت بخش است. جایی است در حال اتفاق افتادن و تداوم رفتار، وجود سکون و انقطاع حرکتی به تداوم پیوستگی معنا می‌بخشد.
اتصال- ترکیب	پیوسته شدن، گردآوری اجزاء متعدد به نحوی که نام واحد به آن اطلاق گردد	- اتصال فضاهای محله به یکدیگر- عامل ربط دهنده میان فضاها و درنهایت ایجاد ترکیب‌های مختلف و متفاوت با حضور تشابه‌ها و تضاد- ساخت فضاها با هویت متفاوت در عین هویت واحد.
توازن و تناسب	تعادل، موازنه، همسنگی و موزونی میان دو چیز هم پیوند و مناسب یکدیگر	- تناسبات انسانی فضاها- تناسب و ارتباط متعادل بین اجزاء در ابعاد، اندازه‌ها، احجام و ساختمان‌ها، فضاهای پر و خالی، سایه و روشن، محدودیت و بی‌کراچی که فضای شهر را زیبا می‌سازد.

جدول ۱۲. نقش اصول الگوساز از نگرش جهان‌بینی فلسفی در مؤلفه‌ها و شاخص‌های استخوان‌بندی محله

اصول الگوساز	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
محوریت - تداوم- پیوستگی	- تعریف مناسب و تفکیک اصولی محورهای پیاده و سواره و تقویت محور پیاده در محور اصلی و عبور وسایل سواره از محورهای جانبی و اتصال گذرها و خیابان‌ها بطور منطقی.	تقویت محور اصلی و گذرپیاده
ارتباط بین فضاها- ترکیب- اتصال	- طراحی واحد همسایگی به صورت میدان‌های سرسبز و کوچک برای چند واحد همسایه که به‌صورت گره در بافت محله در کالبد و محتوا با مرکز اصلی ارتباط دارد.	ایجاد شبکه‌ای از مراکز
شفافیت و خوانایی در کثرت	- وجود نشانه‌ها و نمادها در مرکز اصلی، فرعی، میدان‌های در امتداد محورهای اصلی در جهت تقویت نیروهای سازمان دهنده فضا و ایجاد حس جهت‌یابی و خوانایی در بافت.	ایجاد نشانه‌های شهری
وحدت و انسجام	- کاربری‌ها و شناسایی عملکردهای مناسب و مکمل یکدیگر در کنار بدنه محله برای تقویت یکپارچگی و هم‌افزایی (Ctrl) وحدت محله و افزایش تعاملات اجتماعی.	ایجاد وحدت فضایی
مرکزیت، تعاملات اجتماعی	- تعریف عرصه عمومی مشخص، خوانا برای گفت و شنود اجتماعی، تبلور رفتارها، هنجارهای فرهنگی، سیاسی و عبادی، مکان برای روابط چند سویه اجتماعی ساکنین، برگزاری انواع مراسم عمومی در مراکز محله و محورهای اصلی.	ایجاد عرصه روابط اجتماعی
تدریج و ترتب پیوستگی	- طراحی عرصه‌های عمومی، خصوصی و حدفاصل این دو نیمه خصوصی در مقیاس محله و تعریف سلسله‌مراتب فضایی مراکز اصلی و فرعی، تنوع کالبدی و عملکردی و چشم‌نوازی چشم‌اندازهای بصری.	تنظیم سلسله‌مراتب



۳-۴. تبیین اصول جهان‌بینی علمی در معماری محله

همیاری دارد. از طرفی جامعه نیازمند عدالت و قوانین عادلانه و قانون‌گذار عادل برخوردار از شناخت وحی و عقل است که رفتار افراد را بر اساس حق و استحقاق تنظیم نماید. بر اساس این نیازهای جامعه، محله را می‌توان در سه متغیر کلی سیاست، فرهنگ و اقتصاد دسته‌بندی کرد. سیاست یا مدیریت در محله نقش محوری و اصلی را دارا است. فرهنگ به تبع آن شامل آداب، رسوم و سنت‌ها و باورها و ارزش‌هایی است که مردم یک محل دارا هستند. اقتصاد یا امکانات مادی نیز بر اساس بازتاب‌های سیاسی و فرهنگی در محله تعیین می‌گردد (جدول ۱۳).

در جهان‌بینی علمی، تجربیات علمی بشر در معماری محله و زیستگاه‌ها مورد مذاقه است؛ در این جهان‌بینی سه عامل: عوامل انسانی (رابطه‌ی فرد با جامعه یا عوامل اجتماعی شهر)، عوامل محیطی یا طبیعی و عوامل مصنوعی مطرح هستند (ذوالفقارزاده، ۱۳۸۵).

۳-۴-۱. عوامل انسانی: منظور خصوصیات فرد و جامعه است. هر زیستگاه انسانی از نظر نوع و شیوه‌ی زندگی مبتنی بر خصوصیات اجتماعی آن جامعه است. زیرا انسان به تنهایی قادر به رفع نیازهای زندگی‌اش نیست، در نتیجه نیاز به تعاون و

جدول ۱۳. اصول مؤلفه‌ها و شاخص‌های منبعث از جهان‌بینی علمی در معماری محله

اصول	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
عوامل انسانی	سیاسی	- انتظام بخشی به فضای زیست - قرار گرفتن در محضر الهی - اتحاد اجزاء در کالبد و محتوا و نمایش وحدت - ارتباط میان ابعاد، اندازه‌ها، وسعت با جمعیت محله - تناسبات و ترکیبات مطلوب.
	عدالت	- رعایت حقوق و استحقاقات شهروندان - رعایت حقوق دیگران و همسایگان نسبت به هم در محله - رعایت عدل در تنظیم روابط یکسان طبقات اجتماعی - رعایت عدالت در دسترسی اهالی به تجهیزات، تأسیسات و امکانات موجود به‌طور یکسان.
اقتصادی	فرهنگی	- ایجاد فضاهای اجتماعی در جهت ارتقاء سطح فرهنگ محلی - عینیت‌بخشی و توجه به اصول فرهنگ خودی در ظاهر و باطن محله - توجه به نشانه‌ها و آثار اسلامی در تمامی برنامه‌های اجتماعی و فرم‌های ظاهری و کالبدی محله.
	اقتصادی	- توجه به عرضه و تقاضا، تولید و توزیع ثروت در حرکت جمعی، افزایش توان تولید، توزیع و مصرف محصولات خودی با ارائه فضاهای کالبدی مناسب در محله. و تقویت اقتصاد مقاومتی در مقیاس محله.



۴-۳-۲. **عوامل محیطی یا طبیعی:** مکان و عناصر محیط‌زیست طبیعی در شکل‌گیری محله نقش اساسی دارد. اقلیم و معماری در طراحی معماری در تعامل هم قرار می‌گیرند. توجه به اقلیم، هوای پاک، آب فراوان و زمین پربار و تلاش برای ایجاد محیطی مناسب و مطلوب و همساز با اقلیم، بهره‌گیری از سرسبزی و باروری در فضای محلات و سرور و خرمی و انتخاب مکان و پیوند آن با رویدادهای شادی‌بخش و مقدس از جمله نکاتی است که در احادیث و روایات مورد توجه بوده است. به‌طور کلی می‌توان عوامل محیطی یا طبیعی را در سه شاخه‌ی اقلیم همساز، سرسبزی و باروری (بوم‌گرایی)، سرور و خرمی و پیوند مقدس بررسی نمود.

۴-۳-۳. **عوامل مصنوعی:** مجموعه‌ی دانش‌ها و دستاوردهای بشر است که در شکل‌گیری زیست محیط انسان تأثیر بسزایی داشته است. وجود بناها، کاربری‌ها، شبکه‌ی ارتباطی، وسایل نقلیه و تجهیزات مادی از جمله دستاوردهای بشری به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مصنوعی در فضای محله مورد توجه هستند.

الف: کاربری‌ها: کاربری‌ها در دیدگاه فقهی به کاربری‌های متناسب با عملکرد جامعه، روابط اجتماعی و محیط باز می‌گردد. با توجه به روایتی منسوب از حضرت علی(ع) که بر پایه‌ی شناخت انسان بیان گردیده است: مؤمن را سه ساعت است ساعتی که در آن زندگانی خود را کارساز است و ساعتی در حلال و نیکو با لذت نفس دمساز است و خردمند را نسزد که جز پی سه چیز رود زندگی را سر و سامان دادن، یا در کار معاد گام نهادن، یا گرفتن کام از چیزهای غیر حرام (نهج‌البلاغه ۱۳۷۰،

۴۲۲)، می‌توان تمامی کاربری‌ها را بر اساس روایت مذکور در سه گروه فضای اوقات عبادت، فضایی برای کار و فعالیت زندگی و تحرکات اجتماعی و فضایی برای تفریح و تفرج تقسیم‌بندی نمود.

ب: شبکه ارتباطی محله: شبکه فضایی شریان اصلی و فرعی ارگانیزم محله است که عناصر متنوع محله و کاربری‌های آن را توسط شبکه خیابان‌ها، کوچه‌ها و پیاده‌روها به همدیگر مرتبط می‌سازد. شبکه‌ی ارتباطی شکل و بافت کلی محله را به وجود می‌آورد و از اصلی‌ترین زیرساخت‌های به وجود آورنده‌ی محله هستند.

ج: بناها و وسایل و تجهیزات مادی موجود از جمله عواملی است که در طراحی محله‌ها به عنوان تجربیات پیشین باید مد نظر قرار بگیرد.

۵. ارائه الگوی پیشنهادی

این الگو بر اساس بحث و بررسی یافته‌ها مطرح شده (شامل: مفاهیم، تعاریف و مدل فکری سازنده‌ی ساختار محله) و از لحاظ شکل و فرم و محتوا می‌تواند یکی از چند نمونه‌ی ممکن باشد؛ بر این اساس با توجه به اصول، معیارها، مؤلفه‌ها و شاخص‌های به دست آمده از جداول (۲) الی (۱۳) ساختار طراحی شده بیان می‌گردد.

بر اساس احادیث مطرح‌شده در جهان‌بینی توحیدی اندازه‌ی کوچک‌ترین واحد محله حوزه‌ای است که امام جماعت یک مسجد، امامت آن را بر عهده دارد، حدود این حوزه‌ی امامت بر اساس روایات نبوی چهل منزل است و همسایگی مسجد را چهل خانه از هر طرف می‌داند. به علت آن‌که در این محدوده حدود ۶۰۰۰ واحد مسکونی قرار دارد که با احتساب ۴ نفر برای هر خانوار جمعیت محله به ۲۵۰۰۰ نفر خواهد رسید. جهت جلوگیری از





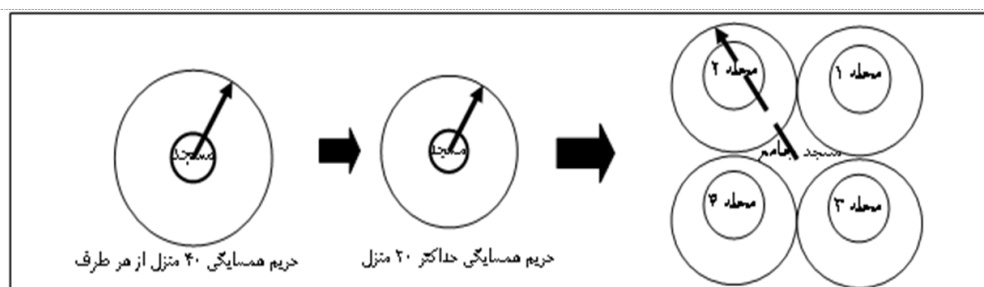
بزرگی محله که امکان عدم شناسایی ساکنان وجود دارد، قطر محله به‌جای هشتاد منزل، چهل منزل اختیار می‌شود در این صورت ۱۶۰۰ واحد مسکونی در محله وجود دارد که با احتساب ۴ نفر در هر واحد مسکونی، محله دارای ۶۵۰۰ نفر شهروند است (تصویر ۱). ساختار محله و نظم کالبدی و منظر فضایی و ارتباطی آن بر اساس توصیفات سیمای بهشت قرآن و ساخت محله در فضای باغی بر اساس طرح باغ‌شهر بنیان نهاده شده است. در این روش شبکه‌ی فضایی با در نظر گرفتن وضعیت اقلیمی و جهت قبله، تصویر دو باغ بزرگ موازی است که در هرکدام دو باغ کوچک‌تر قرار دارد با این تفاوت که اجزاء محله شکل باغ را پدید آورده و جریان سبز محله در آن نفوذ کرده به‌گونه‌ای که محور اصلی ورود به محله را با تقویت گذر پیاده تقویت نموده است. این طرح همان طرح چهارباغ و مدوله شدن آن توسط اجزاء کوچک‌تر است که حول مرکز درونی شکل گرفته است و با حرکت در راستای محور اصلی به مرکز محله در جهت عمودی همانند الگوی زیگورات در حال صعود و تأکید بر هسته مرکزی محله است (تصویر ۲ و ۳). کل مجموعه دارای یک فضای عمومی و مرکزی به صورت میدان و واحدهای مسکونی به صورت یک مجموعه همسایگی دارای فضاهای عمومی و نیمه عمومی به صورت یک میدانچه برای هرچند خانه است. قلب محله به عنوان فضای عمومی میدان محله‌ای است که کاربری‌های اصلی: مسجد (مرکز فرماندهی دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی)، مدرسه (مرکز آموزشی و تربیتی)، و مرکز سلامتی و تندرستی (ورزشی، بهداشتی برای پیش‌گیری و درمان

بیماری‌ها) و مرکز تحقیقات، فناوری و تولید سرمایه را در چهار طرف خود جای داده است. و حول آن مراکز تجاری، خدماتی، رفاهی، تفریحی و تفرجی مستقر گردیده است. نحوه دسترسی به مراکز محله از طریق چهار محور اصلی تعریف‌شده، توسط پیاده‌رو و سواری با حفظ سلسله مراتب مدنظر قرار گرفته است که علاوه بر سازمان‌دهی کل مجموعه شامل پارک‌ها و فضای سبز موضوعی از قبیل (پارک مشاهیر، پارک بانوان،...) مرکز ارائه‌ی محصولات کشاورزی، صنایع دستی و تولیدات خانوار و مرکز کاشت محصولات کشاورزی است. میدان فاقد دسترسی سواره است و ارتباط سواره با مرکز توسط خیابان‌های فرعی و در حاشیه‌ی محور اصلی تعریف گردیده است (تصویر ۴ و ۵ و ۶).

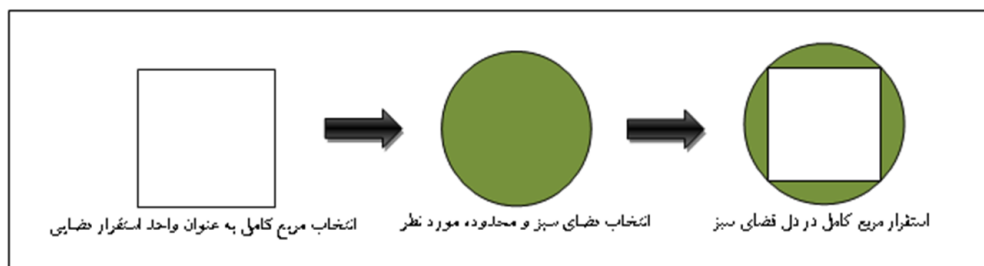
لزوم دسترسی هر واحد مسکونی به ماشین در این طرح به‌عنوان یک محدودیت پذیرفته شده است. دسترسی‌های داخل مجموعه حداقل تقاطع با خیابان‌های انشعابی و فرعی را دارا است برای این کار حیطه‌ی ترافیک سریع در دولایه، یکی خارج از محدوده‌ی مجموعه و دیگری در کمربندی مجموعه پیش‌بینی شده است. از طرفی با کاهش عرض خیابان انشعابی و فرعی، زمینه‌ی دسترسی تمام واحدهای مسکونی از خیابان داخلی صورت گرفته است؛ همچنین واحدهای همسایگی توسط میدانچه مرکزی برای هرچند خانه تعریف می‌گردد. در نهایت سه تیپ خانه (۱ طبقه، ۱/۵ طبقه، و ۲ طبقه) جهت افزایش تنوع فضایی و با حفظ حریمت، اشرافیت و ارتفاع بنا و خط اسکان که نباید از هفت ذراع یا ۳/۷۶ بیشتر باشد طراحی شده و به واسطه‌ی چرخش فضا حول حیاط تعریف

می‌گردد. در این الگوی پیشنهادی فضای مرکزی به عنوان فضای عمومی به صورت چند عملکردی جواب‌گویی عملکردهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و مناسبتی است (تصویر ۷) در کلیت محله تلاش شده با انتخاب فرم‌ها و اشکال

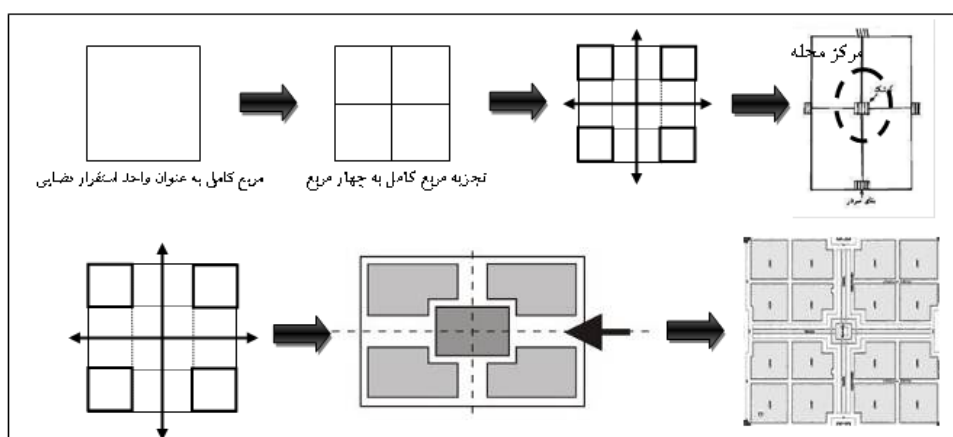
مرتبط هم و انتخاب نوع مصالح و تعریف فضا و عملکردها منطبق بر نگاه بومی، اسلامی و ایرانی به افزایش اصالت معماری و شهرسازی، کیفیت بومی و محلی و تقویت روابط اجتماعی تأکید شود^۳.



تصویر ۱: تعیین ابعاد یک محله و نقش آن در توسعه شهری، بر اساس قلمرو و گستره یک مسجد حداکثر ۲۰ منزل یا شعاعی معادل ۲۰۰ متر



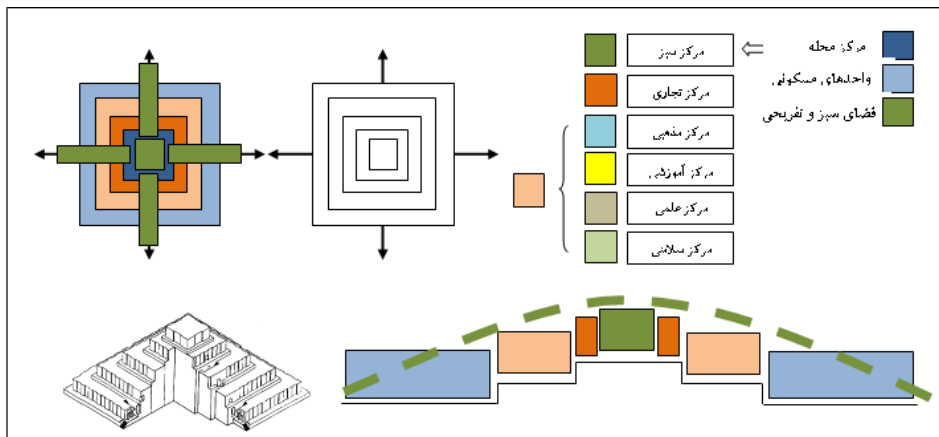
تصویر ۲: استقرار واحد فضایی در دل فضای سبز و ابداع باغ شهر



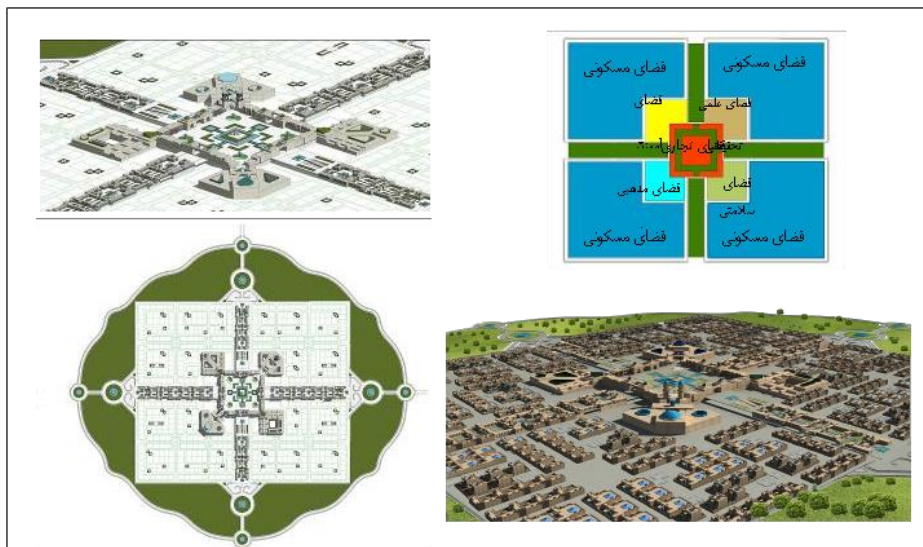
تصویر ۳: شکل‌گیری الگوی چهار باغ یا چهار صفه - نمایش آفرینش تمثیلی باغ قرآنی در هندسه کلی مرکز محله (متناسب با آیه ۱۵ سوره محمد(ص))



تصویر ۴: محل استقرار هر فضا در حالت کلی و نفوذ جریان سبز به داخل مجموعه



تصویر ۵: لایه بندی، استقرار کاربری‌ها در سایت و مرکزیت در پلان و برش بر مبنای الگو زیگورات و تقسیمات فضایی



تصویر ۶: ارائه الگوی پیشنهادی محله اسلامی، ایرانی





تصویر ۷: الگوی واحد همسایگی و مرکز محله در طرح پیشنهادی محله اسلامی، ایرانی

نتیجه گیری

در بررسی الگوی طراحی محله اسلامی که متشکل از چهار حوزه‌ی ۱- فضا و مکان، ۲- طبیعت و محیط، ۳- انسان و فرهنگ و ۴- اصول و ارزش‌های دینی است آنچه که کم‌تر از جانب صاحب‌نظران به آن پرداخته شده است، تأکید بر ابعاد اجتماعی و تقویت جایگاه ارزشی، همبستگی و روابط اجتماعی به عنوان مفهوم امت اسلامی یا امت واحده به عنوان هدف شکل‌گیری محله اسلامی - ایرانی است که به نوعی جنبه نوآوری پژوهش مورد نظر می‌باشد. با توجه به این هدف و مفهوم امت آنچه معماری یک محله را در مرحله‌ی اول شکل می‌دهد جهان‌بینی دینی و اعتقادات سازنده‌ی امت است. به طور کلی می‌بایست محله را تجزیه‌ی یک کل به عنوان یک زیستگاه به اجزاء کوچکتری، تحت عنوان محله دانست، به طوری که این

مجموعه‌های کوچکتر، آن کل شامل یعنی زیستگاه را تشکیل می‌دهد. محله دارای اجزاء و عوامل مرتبطی است که هدف‌دار است و دارای مینا یا علت برای تحقق هدف استعلایی است. در اینجا مسیری نظام‌مند و مجموعه‌نگری در شکل‌گیری محله‌ی اسلامی وجود دارد که از سطح مبنای جهان‌بینی‌ها (دینی، فلسفی، علمی) مورد شناسایی قرار گرفته و تا تقرب به اهداف عالی که سیر تکامل انسان‌ها به سمت کمال و تعالی است، ادامه می‌یابد. عوامل با عملیاتی‌سازی کالبد محله در سه سطح سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به وقوع می‌پیوندد. راه وصول به هدف شکل‌گیری محله در محیط و فضای محله، با شکل‌گیری مکان مقدس با چهار صفت (امن، حی، طیب و سلم) در عرصه‌ی مادی و معنوی و تشکیل و مفهوم امت است. بنابراین معماری محله را می‌توان بر مبنای الگوی فوق





(نگره‌های زندگی‌ساز حکمت اسلامی) سامان‌دهی و بازآفرینی از طریق عوامل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر مبنای جهان‌بینی‌ها (دینی، علمی، فلسفی) در چهار حوزه‌ی فضا و مکان، طبیعت و محیط، انسان و فرهنگ و اصول و ارزش‌های فکری و اسلامی در جهت تقویت بنیان اجتماعی، همبستگی و روابط اجتماعی دانست.

پی‌نوشت‌ها

۱. امت‌سازی در دنیای اسلام یک اهمیت و ضرورت است (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۳/۱۴).
تشکل امت اسلامی، تلاشی در جهت گسترش جامعه‌ی اسلامی و ایجاد امت اسلامی است. زیرا امتیاز حقیقی تمدن‌ها- که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن اسلامی است- به مسائل فرهنگی آن‌ها است یعنی اموری همچون زبان، مذهب، سنت‌ها، اعتقادات و نوع نگاه به هستی و انسان که بخش اصلی و اساسی است که متن زندگی و سبک زندگی را می‌سازد (مقام معظم رهبری، ۹۱/۰۱/۴). تمدن اسلامی دارای هویتی متفاوت با تمدن‌های دیگر است و از فرهنگ اصیل اسلامی نشئت می‌گیرد (شریفی، ۱۳۹۲، ۴۵).

۲. ر.ک. عبدالحمید نقره‌کار و محمدعلی رنجبر کرمانی. ۱۳۹۲. روش پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در پرتو بینش اسلامی، مجموعه مقالات مشترک در حکمت هنر و معماری اسلامی. صص: ۱۱-۳۴.

۳. ر.ک. علی دل زنده. ۱۳۹۳. تبیین نگره‌های زندگی‌ساز حکمت اسلامی در معماری مسکونی ایرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری.

منابع

- قرآن کریم
- اخوت، هانیه و الماسی‌فر، نینا و بمانیان، محمدرضا. ۱۳۸۹. معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی. تهران: هله- طحان.
- اردشیری، مهیار و انصاری، رضا. ۱۳۸۸. مروری بر مفهوم واحد همسایگی از محلات کهن خودبسنده تا همستان‌های دروازه‌دارنویس. نشریه سازمان نظام مهندسی ساختمان استان فارس (۵۹ و ۶۰): ۱۱۲-۱۲۰.
- اسلامی، سیدغلامرضا. ۱۳۹۲. درس گفتار مبانی نظری معماری (عینکمان را خودمان بسازیم). تهران: علم معمار رویال. فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. پژوهشکده هنر.
- اعتصام، ایرج (۱۳۷۰) سرگذشت معماری در ایران، مجله آبادی شماره سه
- اعوانی، غلامرضا. ۱۳۷۴. یگانگی عمل و نظر معماری در سخن متفکران معاصر. مجله آبادی (۱۹).
- امام علی (ع)، نهج‌البلاغه. ۱۳۷۰. ترجمه سید جعفر شهیدی. ج ۲. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- اهری، زهرا. ۱۳۹۳. مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان طراحی شالوده‌ی شهری. تهران: سازمان چاپ و انتشارات؛ موسسه متن فرهنگستان هنر.
- باقری، اشرف السادات. ۱۳۸۷. مرکزیت، جایگاه و پراکندگی مساجد در محله‌های شهر. نشریه رشد آموزش جغرافیا ۲۳(۸۵): ۴-۱۰.
- بحرینی، سیدحسین. ۱۳۹۱. فرآیند طراحی شهری. تهران: دانشگاه تهران. موسسه انتشارات.

- پور جعفر، محمدرضا و تقوایی، علی اکبر. ۱۳۸۱. معیارهای بهینه برنامه‌ریزی و طراحی بافت مسکونی شهرها با توجه به ارتباطات متقابل اجتماعی. مدرس هنر ۱(۱): ۱۱-۲۲.
- پور جعفر، محمدرضا و پور جعفر. علی. ۱۳۹۱. الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی موردنیاز در شهر ایرانی-اسلامی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی (۱۰): ۱۵-۲۴.
- پوردیهیمی، شهرام. ۱۳۹۱. فرهنگ و مسکن. فصلنامه مسکن و محیط روستا (۱۳۴): ۳-۱۸.
- پورمحمدی، محمدرضا و مصیب زاده، علی. ۱۳۸۸. آشنایی با محله و معیارهای محله بندی شهر با تأکید بر شهر تبریز. نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تبریز ۱۴(۲۸): ۵۳-۸۹.
- پیر بابایی، محمدتقی و سجاد زاده، حسین. ۱۳۹۰. تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی. فصلنامه باغ نظر ۸(۱۶): ۱۷-۲۸.
- توسلی، محمود و بنیادی، ناصر. ۱۳۹۳. طراحی فضای شهری. تهران: شهیدی: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- توسلی، محمود (۱۳۷۶). اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران. ج ۱. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ثقه‌الاسلامی، عمیدالاسلام، و امین زاده، بهناز. ۱۳۹۲. بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی. نشریه هویت شهر ۷(۱۳): ۳۳-۴۵.
- حبیبی، سیدحسین. ۱۳۷۷. مکتب اصفهان در شهرسازی مجله دانشکده هنرهای زیبا ۱(۳): ۴۸-۵۳.
- حبیبی، سیدحسین. ۱۳۸۲. چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوانبندی محله. مجله هنرهای زیبا. (۱۳): ۳۲-۳۹.
- خامنه‌ای، سید علی (مقام معظم رهبری) کیهان - ۱۳۷۵/۶/۶.
- خامنه‌ای، سیدعلی (رهبر معظم). ۱۳۹۱. دیدار با جوانان خراسان شمالی. Farsi.khamenei.ir (دسترسی ۱۳۹۴/۰۱/۷).
- خامنه‌ای، سیدعلی (رهبر معظم). ۱۳۹۴. سخنرانی رهبر انقلاب در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی. Farsi.khamenei.ir (دسترسی ۱۳۹۴/۰۳/۱۵).
- داراب، دیبا ۱۳۷۵. اسلام‌گرایی در معماری معاصر سرزمین‌های اسلامی - آبادی بیست و دو.
- داوری اردکانی، رضا ۱۳۷۵. ملاحظات در باب طرح مدینه اسلامی - آبادی بیست و دو.
- دل‌زنده، علی. ۱۳۹۳. تبیین نگره‌های زندگی‌ساز حکمت اسلامی در معماری مسکونی ایرانی: نمونه موردی مسکن قزوین. پایان نامه کارشناسی ارشد معماری. دانشکده تحصیلات تکمیلی آ.ب.آ.
- ذوالفقارزاده، حسن. ۱۳۸۴. فقه و معماری. شیوه تفقه دینی و دانش معماری، رساله دکتری رشته معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- ذوالفقارزاده، حسن. ۱۳۸۵. اصول و مبانی شهرهای جدید اسلامی (از مجموعه مقالات: تجارت ایجاد شهرهای جدید در ایران و جهان). تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- ذوالفقارزاده، حسن. ۱۳۹۱. زیبایی‌شناسی در جهان‌بینی دینی و فلسفی و علمی. دو فصلنامه‌ی



- علمی و پژوهشی پژوهش‌های علم و دین ۳(۲): ۴۵-۶۶.
- ذوالفقارزاده، حسن. ۱۳۹۳ الف. تحلیلی بر شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی. فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی ۳(۳): ۲۹-۴۱.
- رهنمایی، محمدتقی. ۱۳۶۹. مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی (جغرافیا) تهران. وزارت مسکن و شهرسازی مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- شریعتی، علی. ۱۳۸۹. تاریخ تمدن. ج ۱. تهران: شرکت انتشارات قلم.
- شریفی، احمدحسین. ۱۳۹۲. سبک زندگی اسلامی ایرانی. تهران: انتشارات آفتاب توسعه.
- شگوئی، حسین. ۱۳۵۲. جغرافیای شهری. ج ۱. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- شکوئی، حسین. ۱۳۷۲. جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی شهر. تهران: جهاد دانشگاهی.
- شهرداری اندیشه شهریار. ۱۳۹۴. شهر جدید اندیشه شهریار. Andisheh-htoir-gov.ir (دسترسی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴).
- شیعه، اسماعیل. ۱۳۹۲. باشهر و منطقه در ایران. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- طرف، عبدالله زاده و بهزادفر، مصطفی و نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۹. بسط مفهوم محله با آناتومی مفهوم اجتماع. نشریه مطالعات جامعه‌شناسی ۲(۷): ۸۹-۱۰۴.
- عبداللهی، مجید و صرافی، مظفر و توکلی‌نیا، جمیله. ۱۳۸۹. بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری
- ایران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی (۷۲): ۸۳-۱۰۲.
- عزیزی، محمدمهدی. ۱۳۸۵. محله مسکونی پایدار مطالعه موردی نارمک. نشریه هنرهای زیبا (۲۷): ۳۵-۴۶.
- علمداری، محسن. ۱۳۸۴. بررسی مفهوم شهر اسلامی با نگاهی بر هست‌ها و بایدها. مجموعه مقالات برگزیده‌ی اولین جشنواره دانشجویی معماری و شهرسازی. تهران: فرهنگستان هنر.
- علیزاده، هوشمند و حبیبی، کیومرث. ۱۳۹۰. عوامل شکل دهنده‌ی شهرهای اسلامی - تاریخی مسلمانان. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی ۳(۳): ۷۱-۷۶.
- عمید، حسن. ۱۳۹۳. فرهنگ عمید. تهران: فرهنگ اندیشمندان.
- قرائتی، محسن. بی‌تا. توحید. قم. موسسه درراه حق.
- قنبران، عبدالحمید، و جعفری، مرضیه، ۱۳۹۳. بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی (نمونه موردی: محله درکه - تهران). نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. (۷): ۵۷-۶۴.
- لغت‌نامه دهخدا. ۱۳۷۳. به کوشش علی اکبر دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- ماکس ویر. ۱۳۶۹. شهر در گذر زمان. ترجمه منصوره کاویانی. تهران.
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی. ۱۳۹۳. دایره‌المعارف قرآن کریم (جامع تفاسیر نور ۲/۵). قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.



- مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی. ۱۳۹۳.
- فرهنگ جامع روایات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) (جامع الاحادیث ۳/۵). قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۲. آموزش عقائد. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۹۰. مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۲): جهان‌بینی توحیدی. تهران: صدرا.
- معین، محمد. ۱۳۷۵. فرهنگ فارسی. چ ۹. تهران: امیرکبیر.
- موسوی، یعقوب. ۱۳۸۷. بازسازی محله‌های شهری در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی محله‌ای. مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران. (۲): ۹۹-۱۲۳.
- ندیمی، هادی (سال ۱۳۷۰)، «مدخلی بر روش‌های آموزش معماری» صفه، شماره ۲، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- نقره‌کار، عبدالحمید و رنجبر کرمانی، علی محمد. ۱۳۹۲. روش پژوهش‌های میان رشته‌ای در پرتو بینش اسلامی. مجموعه مقالات مشترک در حکمت هنر و معماری اسلامی. ج ۲. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران. قطب علمی معماری اسلامی.
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۴. برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری. تهران: کتاب فکر نو.
- نقشه مهندسی فرهنگی کشور. ۱۳۹۲. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۷ الف. شهرو معماری اسلامی (تجلیات و عینیات). اصفهان. سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۷ ب. مفهوم و هویت محله در فرهنگ ایرانی. اندیش‌نامه: مجموعه نوشتارهای میان رشته‌ای شهر و معماری. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- نوحی، حمید. ۱۳۸۸. تأملات در هنر و معماری. تهران: انتشارات گنج هنر.
- وزین، غلامرضا. ۱۳۷۸. ساماندهی شهری، تکنیک شهرسازی. ج ۱. مشهد: انتشارات درخشش.
- Keller, s. 1968. the urban neigjbohood. ncw york: RandomHouse.
- Morris, D and He ss, k. 1975. Nighbor hood power. Boston. MA: Beaconpress.
- Randolph, T and Hester, Jr. 1984. planning ncighbor hood space with people. California: university of California

